

Principles of Criminal Policy in Imamiyyah Jurisprudence Based on the Social Teachings of the Holy Qur'an

Morteza Karballai Sadeghi¹ , Mehdi Nourian²

1. Master's Student, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran,
(Corresponding author) m.karballai@edu.ikiu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, nourian@isr.ikiu.ac.ir

Research Article



Abstract

Criminal policy is an emerging, multidisciplinary science that seeks to study the causes and methods of crime-related policies, how society and government respond to these issues, and how social and political factors influence crimes. Therefore, initially, it falls within the scope of legal and political science; however, in terms of content, it is influenced by various social fields, especially culture. Considering the importance of this influence in Islamic society, the present study has examined some principles of Islamic criminal policy with a focus on the social teachings of the Qur'an. For this purpose, authentic religious documents, especially Qur'anic verses and interpretive sources, have been evaluated using the descriptive-analytical method, and since the Aristotelian logic of causality has been used to achieve the guidelines of the Qur'an, the ultimate and formal cause have been established as the basis for understanding the approach. On this basis, the aforementioned principles have been analyzed in two dimensions related to the goals and causes of punishment and the principles governing their implementation. The findings of this research show the maximum compliance of these principles with the teachings of the Qur'an and Islamic traditions; the necessity of implementing these principles to ensure social justice and fairness in the Islamic penal system and the priority of the approach of reforming and restoring society over retribution and punishing criminals, based on which the change in the criminal policy model from the existing authoritarian approach to restorative justice has been recognized as inevitable, so that a constructive interaction between the criminal, the victim and the society can be achieved and the quality of life and social relations can be improved.

KEYWORDS: Narrative Interpretation, Criminal Law, Social Justice, Principles of Criminal Policy, Social Policy, Restorative Justice.

Received: 2025-01-26 | Received in revised form: 2025-04-09 | Accepted: 2025-04-19 | Published online: 2025-03-21

◆ How to cite: Karballai Sadeghi, Morteza, Nourian, Mehdi(1404SH): Principles of Criminal Policy in Imamiyyah Jurisprudence Based on the Social Teachings of the Holy Qur'an, quran and social sciences, 1(17), p52-85, 10.22034/arq.2025.221894

©The Author(s). **Article type:** Research Article **Published by:** University of Holy Quran Sciences and Education



 arq.quran.ac.ir

اصول سیاست جنایی فقه امامیه با تکیه بر آموزه‌های اجتماعی قرآن

مرتضی کربلانی صادقی^۱ ID، مهدی نوریان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)
m.karballai@edu.ikiu.ac.ir

۲. استاد یار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،
nourian@jst.ikiu.ac.ir

پژوهشی



چکیده

سیاست جنایی به عنوان دانشی نوپدید و میان رشته‌ای است که در پی بررسی چرایی و چگونگی شکل گیری سیاست‌های مربوط به جرم و جنایت، واکنش جامعه و دولت به این مسائل و نحوه تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و سیاسی بر جرائم است؛ از این رو در مرحله نخست به دانش حقوق و علوم سیاسی تعلق دارد؛ اما به لحاظ محتوایی از حوزه‌های مختلف اجتماعی به ویژه فرهنگ تأثیرپذیر است. با توجه به اهمیت این تأثیرپذیری در جامعه اسلامی پژوهش حاضر برخی اصول سیاست جنایی اسلام را با تمرکز بر آموزه‌های اجتماعی قرآن بررسی نموده است؛ بدین منظور اسناد معتبر دینی، به ویژه آیات قرآن و منابع تفسیری با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و از آنجاکه برای دستیابی به رهنمودهای قرآن از منطق علت‌یابی ارسطویی استفاده شده است، علت غایی و علت صوری مبنای فهم رویکردی قراردادده شده است. براین اساس اصول مذکور در دو بعد مرتبط با اهداف و علل مجازات و اصول حاکم بر اجرای آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. انطباق حداکثری این اصول با آموزه‌های قرآنی و سنت‌های اسلامی؛ ضرورت اجرای این اصول برای تأمین عدالت اجتماعی و انصاف در نظام کیفری اسلام و تقدم رویکرد اصلاح و ترمیم جامعه بر مجازات و تنبیه بزهکاران، عمده دست‌یافت‌های این پژوهش است که بر اساس آن تغییر مدل سیاست جنایی از رویکرد اقتدارگرایانه موجود به سمت عدالت ترمیمی اجتناب‌ناپذیر تشخیص داده شده است تا از این طریق تعاملی سازنده میان بزهکار، بزه‌دیده و جامعه به دست آمده و کیفیت زندگی و روابط اجتماعی بهبود یابد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر روایی، حقوق کیفری، عدالت اجتماعی، اصول سیاست جنایی، سیاست جامعه‌ی، عدالت ترمیمی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

◆ استاد به این مقاله: کربلانی صادقی، مرتضی؛ نوریان، مهدی (۱۴۰۴): ((اصول سیاست جنایی فقه امامیه با تکیه بر آموزه‌های اجتماعی قرآن))، قرآن و علوم اجتماعی، ۱(۱۷)، ۵۲-۸۵، 10.22034/arq.2025.221894

۱. مقدمه و طرح مسئله

سیاست جنایی، تعبیری کلی از اصول، روش‌ها و اقداماتی است که هر نظام حقوقی بنا بر باورها و خرده‌فرهنگ‌های جامعه مخاطب خود آن را بیان می‌کند؛ لذا زمینه و مبنایی برای وضع قوانین کیفری به شمار می‌رود و اتقان در آن رابطه مستقیمی با کارآمدی و توانمندی قوانین کیفری دارد، به نحوی که می‌تواند زمینه بروز جرم را از بین ببرد و نظام قانون‌گذاری مبتنی بر پیشگیری از جرم را سازمان بخشد. نگاه به سیاست جنایی از این زاویه، ضرورت بخش وجود و فهم آن است تا حدی که شاید بتوان وضع قوانین کیفری بدون در نظر گرفتن سیاست جنایی را وضع قوانین بدون لحاظ آثار و کارکردهای آن دانست و از آنجا که تصویب قوانین بدون توجه به ضروریات جامعه، فاقد رویکرد مناسب برای مقابله با جرم به شمار می‌رود، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد که در چنین حالتی علی‌رغم برخورداری جامعه از قوانین کیفری میزان جرم و جنایت افزایش یافته، امنیت آن با اخلال قابل توجهی مواجه گردد.

با تکیه بر چنین مقدماتی است که شریعت اسلامی نه تنها در منابع خویش نکات قابل توجهی نسبت به سیاست جنایی دارد؛ بلکه سیاست مذکور را بر اساس اخلاق و دفاع از حقوق انسان‌ها پی‌ریزی کرده است و در عین برخورداری از هویت علمی بر گفتمان و حیانی نیز استوار نموده است. اینکه در تدوین نظام کیفری، اصل آگاهی از قوانین لحاظ شود و تعریف مسئولیت بر این اساس تنظیم گردد یا برعکس اصل بر مسئولیت قرار داده شود و آگاهی وظیفه شهروندان دانسته شود نمونه‌ای بارز از تأثیر سیاست جنایی بر تعریف جرم و حکم به مجرمیت افراد است (هادی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۲۲) یا در نمونه‌ای دیگر که شاهدی بر قلمروی فرهنگی - اجتماعی سیاست جنایی در اداره جامعه و تدوین قوانین کیفری است اصل برائت است. این اصل در حقیقت مبین یکی از ارزش‌های مهم فرهنگی و اخلاقی و حتی ضروری اجتماع انسانی است. برخورداری از حسن نیت نسبت به رفتار اجتماعی دیگران و پرهیز از بدگمانی و سوءظن یا برچسب زدن یکی از عناصر مهم ایجاد بهداشت روانی در جامعه و

تضمین امنیت و آرامش واقعی محسوب می‌گردد (شاملو، ۱۳۹۶: ۲۷۱-۲۷۳).
تدوین قوانین با تکیه بر سیاست‌های ناشی از اعمال این اصل فضای اجتماعی را بسیار متفاوت از فقدان آن می‌نماید.

این دو نمونه و نمونه‌های بسیار دیگر همگی مواردی هستند که بر ضرورت بررسی و فهم سیاست جنایی دلالت دارند و اینکه نظام کیفری مبتنی بر شریعت تابع چه سیاستی است فهم ضرورت پیش گفته را دوجندان می‌نماید. اکنون با لحاظ استقلال حقوق کیفری اسلام از سایر مکاتب حقوقی از یک سو و تأثیر اجتماعی قوانین مبتنی بر ایمان شخصی بر جامعه از سوی دیگر، فهم قرآنی برخی از اصول اجتماعی سیاست جنایی فقه امامیه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد؛ براین اساس پژوهش حاضر در تلاش است تا با درک آموزه‌های اجتماعی قرآن به رهیافتی جامع در این خصوص دست یابد؛ لذا با بهره‌گیری از تفاسیر روایی، مقدمات تصویری مبتنی بر کتاب و سنت را مبنایی برای تحصیل مقدمات تصدیقی این اصول قرار داده است، در حقیقت پژوهش حاضر با توجه به ضرورت فهم قرآنی و روایی سیاست جنایی اسلام، در پی پاسخ به پرسش از میزان انطباق مفاهیم دانشی سیاست جنایی بر آموزه‌های قرآنی است؛ چراکه دریافت پاسخ دقیق این پرسش، تأثیر مستقیمی بر ترسیم مفهوم متصور از جرم و مجازات در فقه کیفری امامیه ایفا خواهد نمود.

۲. روش پژوهش

مقاله حاضر با روش اسنادی نخست به جمع‌آوری اطلاعات از آیات قرآن و منابع تفسیری (تفسیر روایی) اقدام نموده است؛ سپس از طریق توصیف و تحلیل، داده‌های به دست آمده را بررسی نموده است آنگاه برای پاسخ به پرسش از میزان انطباق مفاهیم دانشی سیاست جنایی بر مفاهیم اجتماعی قرآن کریم و برای دستیابی به رهنمودهای آن از منطق علت‌یابی ارسطویی بهره برده است و براین اساس مبنای فهم رویکرد سنجی قرآن کریم را بر علت‌یابی و علت‌صوری استوار نموده است.

۳. پیشنهاد پژوهش

این پژوهش به دلیل رویکرد روایی خود در تفسیر اصول سیاست جنایی، تأکید بر مفاهیم اجتماعی قرآن کریم و جامعیتش در تمامی احکام حقوق کیفری اسلام از سایر پژوهش‌ها متمایز است (محمدی جورکویه، ۱۴۰۲؛ غلامی، ۱۳۹۲؛ نوبهار، ۱۳۹۲). در مقایسه با پژوهش سید محمد میرخلیلی تحت عنوان «انسان از منظر سیاست جنایی اسلام و مکاتب جرم‌شناسی» (میرخلیلی، ۱۳۹۷)، پژوهش حاضر به آموزه‌های اجتماعی قرآن و انطباق آن با سیاست جنایی می‌پردازد، درحالی‌که میرخلیلی بیشتر بر انسان‌شناسی بزهکاری تمرکز دارد. این تحقیق همچنین به دنبال تبیین یک مدل جامع سیاست جنایی (عدالت ترمیمی) است، درحالی‌که میرخلیلی بر نظریات جدید جرم‌شناسی و پیشگیری از بزهکاری تمرکز می‌کند. دیگر وجه تمایز این پژوهش، تأکید بر استفاده از منطق ارسطویی در تحلیل اسنادی است. مقایسه پژوهش حاضر با مطالعه‌ای تحت عنوان «اهداف مجازات در سیاست جنایی اسلام» (محمدی، ۱۴۰۰) نشان می‌دهد که رویکرد مقاله حاضر میان‌رشته‌ای و نظری است و بر آموزه‌های اجتماعی قرآن تأکید دارد. این در حالی است که پژوهش محمدی بیشتر بر بررسی اهداف عملی مجازات و مقایسه آن با حقوق عرفی متمرکز شده است. از منظر روش‌شناسی، پژوهش حاضر از منطق ارسطویی برای فهم آموزه‌های قرآنی و انطباق مفاهیم سیاست جنایی استفاده کرده است و بر مدل جامع مبتنی بر عدالت ترمیمی تمرکز دارد. برخلاف این، پژوهش دیگر بر اهداف عملی مجازات (مانند ارعاب و بازپروری) تأکید دارد و کمتر به مدل‌سازی نظری پرداخته است.

عزیز الله احمدی نیز در پژوهش مشابهی با عنوان «نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام» (احمدی، ۱۴۰۰) به این حوزه پرداخته است. پژوهش حاضر به واسطه رویکرد میان‌رشته‌ای مبتنی بر آموزه‌های قرآنی از پژوهش احمدی متمایز شده است، درحالی‌که مقاله احمدی بر کرامت انسانی به عنوان محور اصلی سیاست جنایی تأکید داشته است. مقاله حاضر روش تحقیق خود را به صراحت بیان کرده (توصیفی-تحلیلی، اسنادی، منطق ارسطویی)، درحالی‌که

پژوهش احمدی روش مشخصی را ذکر نکرده و به نظر توصیفی است. همچنین، تحقیق حاضر از تفاسیر روایی و فقه سنتی به صورت نظام مند بهره برده است که این نیز وجه تمایز دیگری به شمار می آید. در نهایت، پژوهش حاضر به اصول مشخص (اهداف و اجرای مجازات) و مدل سازی (عدالت ترمیمی) پرداخته است، در حالی که تحقیق احمدی بر فاکتورهای کلی حقوق بشری تأکید کرده است. به همین دلیل، تحقیق پیش رو تحلیلی تر و مدل محور با تأکید بر عدالت اجتماعی است، در حالی که پژوهش احمدی بیشتر توصیفی و بر کرامت انسانی تمرکز دارد. «مبانی و راهبردهای سیاست جنایی اسلام» (میرخلیلی، ۱۳۹۴) پژوهش مشابهی است که از جهات مختلف با پژوهش حاضر قابل تمایز است. این پژوهش بیشتر بر مبانی گسترده تر و راهبردهای عملی (کیفری و غیر کیفری) تأکید دارد و کاهش جرائم را به عنوان هدف اصلی می بیند. در مقابل، پژوهش حاضر بیشتر بر آموزه های اجتماعی قرآن و تطبیق آن با مفاهیم سیاست جنایی تمرکز داشته و توجه ویژه ای به عدالت ترمیمی دارد. از نظر روش شناسی، مقاله حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده و داده های خود را از اسناد دینی (قرآن و تفاسیر روایی) جمع آوری کرده و تحلیل خود را بر اساس منطق ارسطویی (علت یابی غایی و صوری) استوار نموده است. در حالی که محتوای پژوهش میرخلیلی بیشتر بر تحلیل مبانی و راهبردهای سیاست جنایی اسلام و استخراج اصول از منابع اسلامی تمرکز دارد و کمتر به مدل سازی می پردازد؛ بنابراین، مقاله پیش رو بر عدالت ترمیمی و انصاف به عنوان نتایج اصلی تأکید دارد، در حالی که مقاله میرخلیلی بر راهبردهای عملی و تمایز در برخورد با انواع بزهکاری ها تمرکز کرده است.

«اعتبار امنیت در سیاست گذاری عمومی حقوق جزایی اسلام» (نوریان-سرخیل، ۱۳۹۸) پژوهش دیگری است که از نظر عنوان به پژوهش حاضر نزدیک است. با این حال، پژوهش حاضر بر آموزه های اجتماعی قرآن و تطبیق آن با سیاست جنایی تأکید دارد و توجه ویژه ای به عدالت ترمیمی نشان می دهد. در مقابل، مقاله مشابه بیشتر بر نقش امنیت در سیاست گذاری عمومی فقه جزایی و تعامل آن با حقوق شهروندی متمرکز است. از نظر روش شناسی، هر دو پژوهش

از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌برند، اما پژوهش حاضر داده‌های خود را بیشتر از قرآن و تفاسیر روایی جمع‌آوری کرده و تحلیل خود را با رویکرد اسنادی و با استفاده از منطق علت‌یابی ارسطویی (علت غایی و صوری) انجام داده است. درحالی که مقاله مشابه تنها با تحلیل اسنادی به بررسی ادبیات نظری فقه امامیه و رابطه امنیت و سیاست‌گذاری عمومی در فقه جزایی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از انطباق حداکثری اصول سیاست جنایی اسلام با قرآن و سنت است و نشان می‌دهد که اجرای این اصول برای تأمین عدالت اجتماعی و انصاف ضروری است. این پژوهش مدل سیاست جنایی را به سمت عدالت ترمیمی سوق داده، درحالی که یافته‌های پژوهش نوریان- سرخیل نشان‌دهنده ارتباط امنیت با سیاست‌گذاری عمومی در فقه جزایی و وابستگی کارآمدی فقه جزا به اعتبار امنیت در این سیاست‌گذاری است. همچنین، تلازم میان جرم و امنیت در اسلام تأییدشده است.

۴. مفاهیم و نظریه‌ها

قرآن کریم: قرآن کریم به‌عنوان یکی از منابع اجتهادی که نزد فقیهان مذاهب اسلامی از اعتبار منحصر به فردی برخوردار است (خویی، بی‌تا: ۲۰۰) صرفاً یک کتاب آسمانی برای مسلمانان به شمار نمی‌رود بلکه متنی است که تأثیرگذاری بالایی بر نحله‌های فکری و مشارب اندیشه‌ای داشته است. برخورداری از حداقل ۵۰۰ آیه که مستقیماً بر مفاهیم فقهی دلالت دارند (ایروانی، ۱۴۲۸ ق، ۱: ۱۹) و آیات فراوانی که بر نحوه کنشگری افراد مؤثر است آن را به یک منبع مؤثر بر قوانین و اخلاق فردی و اجتماعی در جوامع اسلامی مبدل نموده است، به نحوی که علی‌رغم تمامی تحولات فرهنگی و اجتماعی رخ داده در طی قرون مختلف، همچنان منشأ بسیاری از نظریه‌پردازی‌ها و مولد دیدگاه‌های نوین نواندیشان بوده است؛ بدین رو می‌توان گفت آیات الاحکام محتوای فکری و تأثیرات اجتماعی قرآن به‌روشنی بیانگر نقش آن در شکل‌گیری هویت و زندگی مسلمانان بوده است. آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد و البته

مورد تأکید قرآن و روایات نیز قرار گرفته است فهم مقاصد قرآن بدون تحمیل آراء و اندیشه‌های فردی است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ۲: ۶) سعی بر تحصیل این مقصود موجب ایجاد روش‌های تفسیری مختلفی شده است که از جمله آن‌ها تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر روایی است. (اعرابی، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۴؛ مهریزی، ۱۳۸۹: ۷؛ علوی‌مهر و حبیبی، ۱۴۰۲: ۹۷؛ زارع مولایی، ۱۳۹۵: ۱۰) باتوجه به نقش سنت در فهم دقیق قرآن، تحقیق حاضر تمرکز پژوهشی خود را بیش از سایر مشارب تفسیری بر تفسیر روایی منصرف نموده است، هرچند رویکرد مذکور مانع از بهره‌گیری آن از سایر منابع تفسیری نیز نبوده است.

سیاست جنایی: سیاست از مصدر «ساس، یسوس» است (حق محمدی‌فرد، ۱۳۹۳: ۲۴). ابن منظور در لسان العرب «سوس» را به معنی ریاست و در مفهوم مباشرت برای حفاظت و پاسداشت از مصالح و منافع مردم دانسته است (ابن منظور، ق ۱۴۱۴، ۶: ۱۰). بدین رو برخی، سیاست را به معنای قدرت چاره‌اندیشی متناسب با اداره امور در جهت مطلوب تعریف نموده‌اند (عظیم‌زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). جنایت نیز از ریشه جَنی به معنی ارتکاب گناه و برگرفتن میوه از درخت (عمید، ۱۳۷۵: ۴۷۱) و گرفتن کندو از عسل است (فراهیدی، ۱۴۰۸ ق، ۶: ۱۸۵). طریحی در مجمع‌البحرین جنایت را ارتکاب هر عمل گناه یا جرمی که موجب قصاص در این دنیا یا دیار باقی شود دانسته است (طریحی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۹۱)؛ اما ترکیب سیاست جنایی به‌عنوان یک دانش مستقل، از مهم‌ترین شاخه‌های علوم جنایی و دارای جنبه‌های کاربردی و اجرایی است. این دانش نه تنها در کنار سایر ابزارها کمک شایانی در جهت اداره مطلوب جامعه به دولت می‌کند بلکه در تعیین حدود و ثغور آزادی، الزامات افراد و تأمین امنیت جامعه به راهبردهای دولت نیز جهت می‌دهد. کیفیت پاسخ به نقض هنجارها (که شامل جرم و میزان انحراف آن است) از سوی مراجع و نهادهای اجتماعی، اندیشمندان حوزه سیاست جنایی را به پیروی از روشی واداشته است تا باتوجه به طرز نگرش سیاسی - اجتماعی، به تعیین حدود پدیده جنایی و تحدید و تعیین پاسخ‌ها نسبت به آن پردازند.

چنین روندی به ایجاد مکاتب نظری مختلف در سیاست جنایی منجر گردیده است. برخی پژوهشگران مکاتب نظری سیاست جنایی را شامل جریان فکری لیبرال (قائل به آزادی مطلق افراد) جریان مساوات خواه (شامل گرایش مارکسیسم - لنینیسم و جنبش آزادی مطلق گرا یا دولت ستیز) و مکتب اقتدارگرایی تمامیت خواه دانسته‌اند (شاگری، ۱۳۸۵: ۵۸؛ آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۲۶؛ ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۱؛ حسینی و صفری و گرایلی، ۱۳۹۹: ۱۹۲). در تعریفی که از بررسی آرای مختلف اندیشمندان این حوزه به‌دست آمده است، سیاست جنایی را عبارت از: «طراحی، اجرا و نظارت بر برنامه و اقدامات کیفری و غیر کیفری که از سوی دولت، حوزه عمومی و مردم در راستای پیشگیری از وقوع پدیده مجرمانه؛ سرکوب و جلوگیری از تکرار آن و حمایت از بزه دیدگان به کار گرفته می‌شود تا آمار جرائم، تکرار و آثار آن به حداقل ممکن برسد.» (غلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۰) دانسته‌اند.

فقه امامیه: فقه امامیه ازجمله مکاتب فقهی مذاهب اسلامی است که به‌واسطه تبعیت محض آن از اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) از سایر مذاهب فقهی اسلامی متمایز می‌شود. (رضوانی، ۱۳۸۳) این دانش به‌عنوان یکی از علوم اسلامی که فلسفه وجودی‌اش، تنظیم روابط اجتماعی افراد با یکدیگر دانسته شده است (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۸۹-۱۹۰) مجموعه قواعد زندگی اجتماعی است که به‌واسطه ماهیت خود نمی‌تواند از نیازها و ضرورت‌های این زندگی دور بماند (قربان نیا، ۱۳۷۹: ۸۶)؛ بدین رو به یکی از مهم‌ترین عواملی تبدیل شده است که تاکنون توانسته هویت مستقل فرهنگی به تمدن اسلامی ببخشد (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۱: ۸۰).

سیاست جنایی و مکتب تشریعی اسلام: مکتب تشریعی اسلام، انسان را موجودی عاقل و مختار می‌داند که هم‌زمان از حق انتخاب سرنوشت برخوردار است و ملزم به پاسخگویی اعمال خویش است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ ق، ۲: ۱۲۸). براین اساس آزادی وی تا جایی است که با احکام شرع و منافع دیگران در تعارض قرار نگیرد (غنوشی، ۱۳۸۱: ۱۸-۲۱). شارع مقدس برای اطمینان از التزام همگانی به این دو امر (اصل اختیار بشر و اصل آزادی مقید او) دو بعد مسئولیت حقوقی و کیفری را تعریف نموده است تا در پرتوی مسئولیت‌های

مصرح در این دو بعد پابندی افراد تضمین شود. حال در بعد کیفری مجموعه تدابیر و خط‌مشی‌هایی تعبیه گردیده که همگی تحت یک سیاست کلی و با عنوان سیاست جنایی اسلام تعریف می‌شوند. هدف اصلی این سیاست، اجرای عدالت اجتماعی است که با استفاده از رویکردها، تدابیر و رویه‌های سیاستی مختلف محقق می‌شود (عظیمی و میرزایی، ۱۴۰۰: ۲۴۹-۲۵۰)؛ بنابراین، هویت تشریعی سیاست جنایی اسلام بر مبنای اصول و مبانی خاصی استوار است که برای فهم آن، نیاز به مراجعه به منابع معتبری همچون قرآن است؛ اما با وجود اهمیت آیات قرآن به عنوان یک ابزار شناختی، به تنهایی نمی‌توان ملاکی جامع برای درک عمیق این مبانی و اصول فراهم نمود؛ بنابراین لازم است از «تفسیر اثری یا روایی» برای درک و فهم بهتر آیات مرتبط با این حوزه استفاده شود.

قرآن و سیاست جنایی: قرآن کریم به عنوان دلیل منصوص جایگاه ویژه‌ای در منابع استنباطی فقه امامیه دارد (صدر، ۱۴۱۸ ق، ۱: ۱۹۳)؛ بدین رو فهم رهنمودهای دین اسلام درباره سیاست جنایی، با تکیه بر رهیافتی از قرآن کریم، اهمیتی مضاعف می‌یابد. دستیابی به این مهم بنا بر حصر عقلی و منطبق بر منطق علت‌یابی ارسطویی، از دو وجه برخوردار است؛ چراکه رویکرد قرآن کریم در این خصوص، رویکردی دوجوهری است. نخست تبیین هدف و علت وضع مجازات در شریعت اسلام است که بر علت غایی منطبق است و دوم فهم قواعد حاکم بر مجازات وضع شده در حقوق کیفری اسلام است که بر علت صوری قابل انطباق است و از آنجا که علت مادی و علت فاعلی در این خصوص خارج از دایره بحث است؛ می‌توان سیاست جنایی اسلام را بر دو بعد اساسی استوار دانست، نخست؛ سیاست ناظر بر اهداف و علل مجازات و دوم؛ سیاست ناظر بر اجرای مجازات که در ادامه هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۵. اهداف و علل مجازات در قرآن کریم

هر نظام حقوقی برای اطمینان از التزام شهروندان؛ اتباع و افراد تحت حاکمیت خود نسبت به رعایت قوانین موضوعه، راهکارهای تضمینی مختلفی را پی‌ریزی

می‌کند که وضع مجازات و تدوین نظام حقوق کیفری با کیفیت‌های مختلف از جمله آن‌ها است (مقیم‌حاجی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). آنچه در این خصوص اهمیت داشته و غالب نظام‌های حقوقی در بیان آن کوشیده‌اند توجیه هدفمند بودن چنین ساختاری است.

قرآن کریم به عنوان سند مکتوب نظام حقوقی اسلام در قسمتی از بیان خویش به این مهم توجه نموده است؛ لذا برخی آیات را به تبیین اهداف مجازات تشریع شده اختصاص داده است. بیان قرآن در این خصوص دوجزئی است بدین معنا که ابتدا بر هدف یا علت ممنوعیت تصریح کرده سپس در خطابی منفصل یا متصل بر مجازات حرمت‌شکنی، اقامه بیان نموده است. برخی از این اهداف شامل حفاظت از حرمت و ارزش احکام الهی (حج: ۳۰)؛ اجرا و پاسداری از عدالت (حجرات: ۹؛ یونس: ۵۴؛ حدید: ۲۵؛ زلزال: ۸)؛ برخورد با فساد و تباهی (سجده: ۲۲)؛ اصلاح و هدایت مجرم (جمعه: ۲؛ بقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴؛ اعلی: ۱۴؛ شمس: ۹؛ انعام: ۵۴؛ مائده: ۳۹؛ بقره: ۱۶۰؛ نساء: ۱۶ و ۱۴۶؛ نور: ۵)؛ جبران ضرر و دل‌آسودگی بزه‌دیده (بقره: ۱۷۹) است که در قالب‌های مختلف بیانی همچون امر و نهی (حج: ۳۰)؛ ترهیب (سجده: ۲۲)؛ ترغیب (اعلی: ۱۴)؛ جدل و استدلال (حدید: ۲۵) و داستان (هود: ۸۴-۸۶) آمده است. برخی پژوهشگران با اشاره به آیات فوق‌الذکر بنای قرآن کریم در این موارد را بر تبیین اهداف و علت‌های مجازات دانسته‌اند (ر.ک: حسینی دره صوفی، ۱۴۰۱؛ نوبهار، ۱۳۹۲: ۱۳۹؛ محمدی جورکویه، ۱۴۰۲: ۳۰۰؛ حاجی ده آبادی و بهارلویی، ۱۳۹۴: ۱۷۳-۱۷۴).

۶. سیاست‌های قرآنی ناظر بر اجرای مجازات

آنچه امروزه توجه اندیشمندان حوزه حقوق کیفری اعم از حقوق‌دانان و فقهیان را به خود جلب کرده است، لحاظ میزان بازدارندگی نظام کیفری از ارتکاب به جرم و کاهش سطح بزه‌دیدگی است تا جایی که پیشگیری، سیاست اصلی تعریف مجازات باشد و تأدیب مقدم بر تعذیب و مجازات مجرم‌ان قرار گیرد. همان‌طور که در بخش اهداف بیان گردید، رویه فوق‌الذکر موردنظر شارع

مقدس بوده است؛ اما اینکه سیاست جنایی اسلام از مطابقت اهداف و مجازات نیز برخوردار است، موضوعی است که در ادامه با نگاه به آیات قرآن کریم بررسی می‌شود.

سیاست جنایی اسلام در بخش دوم آن که ناظر به اجرای مجازات است مشتمل بر اصولی است که هریک بر مبانی قرآنی متعددی استوارند. ازجمله این اصول عبارت‌اند از: اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اسراء: ۱۵؛ طلاق: ۷؛ انفال: ۴۲؛ نساء: ۲۲، ۹۷ و ۹۸؛ بقره: ۲۷۵)؛ اصل عطف بماسبق نشدن احکام (بقره: ۲۷۵؛ مائده: ۹۵) قاعده در آن که ازجمله اسباب سقوط مسئولیت کیفری است؛ اصل شخصی بودن مجازات (انعام: ۱۶۴؛ اسراء: ۱۳ و ۱۵؛ فاطر: ۱۸) و فردی بودن مجازات (ص: ۴۴)؛ اصل امر به معروف و نهی از منکر (توبه: ۷۱؛ آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰؛ حج: ۴۱؛ لقمان: ۱۷) و جریان قاعده احسان و خیرخواهی نسبت به شهروندان در جامعه اسلامی (توبه: ۹۱). اصول فوق‌الذکر را می‌توان سازنده شاکله اصلی و فرم دهنده به نظام حقوق کیفری اسلام دانست.

سیاست‌های قرآنی ناظر بر اجرای مجازات فهم رویکردی و شکلی روشن‌تری نسبت به ماهیت حقوق کیفری اسلام در اختیار اندیشمندان و پژوهشگران این حوزه قرار می‌دهد به نحوی که برخی با تکیه بر همین مبانی ضمن نقد تصویری و تصدیقی صاحب‌نظران در مطالعات سیاست جنایی، مدل سیاست جنایی اسلام را جامعوی و نه اقتدارگرایی فراگیر دانسته‌اند. ایشان اگرچه امکان ارائه تفاسیر اقتدارگرایانه از سیاست جنایی اسلام را نفی نمی‌کنند؛ اما بر این باورند که «آموزه‌های اسلامی نه تنها رویکرد کلی سیاست جنایی از نوع مدل اقتدارگرایی فراگیر را تأیید نمی‌کند که آن‌ها را نفی می‌کند در نتیجه هم‌نوا دانستن مدل سیاست جنایی اسلام یا آموزه‌های کیفری اسلام با مدل دولت اقتدارگرایی فراگیر فاقد دلایل علمی است» لذا می‌گویند «درست این است که بگوییم می‌توان از مقررات کیفری اسلام تفسیر اقتدارگرایانه داشت» (نوبهار، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۶) نه آنکه آن را منحصرأً اقتدارگرایانه دانست.

۷. تحلیل و بررسی

اکنون با عنایت به مبانی قرآنی پیش گفته در خصوص سیاست جنایی اسلام؛ دیدگاه تفسیری و اثر آن بر آرای فقهی را به صورت تفکیک شده مورد بررسی قرار می‌دهیم در این مسیر پس از بررسی اصول حاکم بر سیاست جنایی اسلام در نگاه تفاسیر روایی، آیات مذکور را از زاویه نگاه فقهی و نحوه استناد فقیهان و برداشت‌های فقهی ایشان بررسی می‌کنیم تا در پرتوی این تحلیل، جایگاه استنادی و مفهوم اتخاذی از آیات در سیاست جنایی اسلام روشن شود.

الف) اصل حفاظت از حرمت و ارزش احکام الهی

نخستین و اساسی‌ترین اصل سیاست جنایی اسلام، وضع قوانین کیفری برای حفظ حرمت احکام الهی است که از طریق امر و نهی شارع مقدس قابل فهم است (احمدی، ۱۴۰۰: ۹۴). هتک این حریم نه تنها هتک حریم الهی به شمار می‌رود بلکه پیامدهای فردی- اجتماعی و دنیوی- اخروی برای فرد عاصی دارد مانند آنچه در قرآن به آن اشاره شده است (بقره: ۵۹؛ مائده: ۴۹؛ انعام: ۶ اعراف: ۹۶؛ نمل: ۵۲؛ نوح: ۳۵؛ شمس: ۱۴؛ رعد: ۱۱؛ مطففین: ۱۴؛ شوری: ۳۰؛ نمل: ۹۰؛ معارج: ۱۱ تا ۱۶؛ جن: ۲۳). مفسران معتقدند که شارع مقدس شهروندان را به رعایت این حریم ملزم کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج: ۳۷۷؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ۳: ۱۸۳-۱۸۴). بحرانی نیز با استناد به روایتی شکستن حریم برخی از آن‌ها را منجر به شرک به خداوند دانسته است (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ۳: ۸۸۲). بنابراین، وضع قوانین کیفری برای حفاظت از حرمت احکام الهی در نگاه تفاسیر قرآن و روایات به عنوان یک هدف عالی و معتبر در نظام حقوقی اسلام به شمار آمده است. آرای فقهی نیز مؤید تلقی آرای تفسیری است به نحوی که در این خصوص دیدگاه مخالفی میان فقیهان در دسترس نیست. باین وجود برخی با تکیه بر اهمیت این اصل و با استناد به آیات مطرح در این پژوهش؛ قاعده‌ای فقهی تدوین نموده و اعتبار جریان آن را در استنباط فقهی به اثبات رسانده‌اند. مرحوم بجنوردی با استناد به آیه ۳۰ سوره حج، دلالت آن را عام و شامل هر آن چیزی که نزد شارع مقدس محترم است دانسته و براین اساس

قاعده حرمت هتک را اثبات نموده است (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ۵: ۲۹۶-۲۹۷) اثبات اصل مذکور در کنار برخی اصول دیگر، مبنایی مؤثر در سیاست جنایی اسلام ایجاد نموده است. آن‌چنان‌که برخی احکام جزایی در حقوق کیفری اسلام مانند احکام ساب النبی (ص)؛ هتک کننده حرمت کعبه و امکنه مقدسه؛ شتم مؤمن و بسیاری از موارد دیگر مستند به اصل حرمت هتک و مبنای آن صادر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۷: ۲۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۲۸: ۳۳۷؛ نجفی ۱۴۰۴ ق، ۴۱: ۴۳۸-۴۳۹؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲ ق، ۲: ۲۴۲-۲۴۳).

ب) اصل اجرا و پاسداری از عدالت

اصل دیگری که در حقوق کیفری اسلام به تبیین هدف و علت وضع مجازات اشاره دارد، اجرای عدالت است. عدالت به‌عنوان اساس هر پیمان صلح در شریعت اسلامی شناخته‌شده و برقراری صلح و سازش، به‌ویژه در مسائل کیفری، باید بر مبنای آن استوار گردد^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸: ۴۶۹؛ طوسی، بی‌تا، ۹: ۳۴۶)؛ بنابراین، مطابق با برداشت تفسیری فقیهان از آیات قرآن، قوانین کیفری نیز برای پاسداری از عدالت وضع شده و اساس تشریع اسلام نیز بر این اصل استوار گردیده است (طوسی، بی‌تا، ۹: ۵۳۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۷: ۲۵۶). مفسران با استناد به آیات قرآن معتقدند؛ عدالت نه‌تنها در قوانین دنیوی، بلکه در عذاب اخروی نیز لحاظ شده است (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۴: ۱۶۵ و ۱۷۰). اصل مذکور تا بدان‌جا در حقوق کیفری اسلام ساری و جاری است که جریان سیاست کیفری در نظام جزایی اسلام را می‌توان جزئی جدایی‌ناپذیر از الزام به اصل عدالت کیفری دانست. برای مثال قرآن کریم با تأکید بر اصل عدالت کیفری و با لحاظ روحیه انتقام‌جویی مسلمانان از مشرکان در جنگ احد آنان را به رعایت عدالت در مجازات دستور داده فرموده است: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (نحل: ۱۲۶)؛ بنابراین، با دستور پروردگار مبنی بر رعایت تناسب جرم و مجازات، مسلمانان به پایبندی به عدالت

۱. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَعَاتِلُوا آلَیَّ تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ فَاَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹).

در مجازات ملزم شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۲۱). پس از نزول این آیه، پیامبر اعظم (ص) به صبوری و رعایت عدالت دستور دادند (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ۳: ۴۶۵). به همین جهت می‌توان اصل عدالت را اصلی مورد توافق فقهای امامیه دانست که در فلسفه برخورد با متجاوزان، مبنای اصلی را تشکیل می‌دهد (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ ق، ۱: ۳۸۶-۳۸۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۲۱: ۳۲۴). از این رو، عدالت هدف اساسی در سیاست جنایی و نظام حقوق کیفری اسلام به شمار می‌آید.

ج) اصل جلوگیری از فساد و گسترش آن

جلوگیری از فساد و گسترش آن یکی از اهداف مهم حقوق موضوعه کیفری اسلام به شمار می‌آید. پروردگار قرآن کریم با اشاره به فساد میان قوم یهود، آن را علت ذلت و تحت تسلط قرار گرفتن ایشان معرفی کرده و همگان را به پرهیز از فساد دعوت نموده است^۱ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۲: ۵۱) بدین رو مطابق با روایات اهل بیت (ع) پیامبران را موظف به مبارزه با فساد نموده است.^۲ (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۲: ۱۹) و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک راهبرد پایه‌ای برای حفظ مشارکت مردمی در فساد ستیزی مطرح نموده است. (حیدری و مؤمنی، ۱۳۹۸: ۵۷) به همین سبب ترک این تکلیف قانونی موجب سلطه فاسدان بر جامعه معرفی شده است (نوری، ۱۴۰۸ ق، ۱۲: ۱۸۰)؛ بنابراین، اگرچه هدایت این موضوع بر عهده حاکم اسلامی است؛ اما نافی تعهد و مسئولیت شهروندان نیز به شمار نیامده است. بررسی احکام مبارزه با فساد دامنه‌ای گسترده از این مجازات را نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها از ماهیت خشن و شدیدی برخوردارند مانند رجم زانی محصنه، اعدام لائط، مجازات مختلس و سارق و... آنچه توجه بدان در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد اینکه اگرچه اصل فساد ستیزی یکی از اهداف اساسی حقوق کیفری اسلام است؛ اما همراهی توأمان این اصل با اصل عدالت محوری مانع افراط و تفریط در مسائل کیفری شده

۱. «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُوهَا عِوَجًا وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكُتِرْكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۸۶)

۲. «عَنْ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ: «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» قَالَ: إِنَّ الْأَرْضَ كَانَتْ فَاسِدَةً فَأَصْلَحَهَا اللَّهُ بِنَبِيِّهِ ع، فَقَالَ: «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا».

است؛ لذا طبق روایات، برخی مجازات به صورت ترتیبی در نظر گرفته شده‌اند (قمی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۶۸-۱۶۹؛ فاضل مقداد حلی، ۱۴۲۵، ق، ۲: ۳۵۱-۳۵۲) که می‌تواند مصداقی عینی برای تطابق جرم و مجازات در نظر گرفته شود. برخی فقیهان با ذکر مصداق تاریخی بر اهمیت این اصل در سیاست جنایی اسلام تأکید نموده‌اند (منتظری، ۱۴۰۹، ق، ۳: ۴۱۴) و برخی دیگر نیز باتوجه به فلسفه وجودی مجازات شدید برای جلوگیری از فساد در زمین (راوندی، ۱۴۰۵، ق، ۱: ۳۶۵) تأثیر این اصل بر احکام کیفری اسلام را تأیید نموده‌اند.

د) اصل اصلاح و هدایت مجرم و جبران ضرر و آسودگی خاطر بزه‌دیده

اصلاح و هدایت مجرم و جبران ضرر بزه‌دیده؛ اصول دیگری است که در سیاست جنایی اسلام به عنوان اهداف در نظر گرفته شده‌اند و مبنای احکام جزایی را تشکیل می‌دهند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۴: ۱۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ق، ۲: ۳۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۲۸: ۳۷-۳۸ و ۵۳۰). وجود قواعدی مثل توبه نشان‌دهنده توجه شریعت اسلامی به اصلاح در نظام حقوق کیفری است. فقهای امامیه توبه را به عنوان یکی از مسقطات مسئولیت کیفری در شریعت اسلامی می‌شناسند و در مواردی به سبب توبه، مجازات را از مجرم ساقط کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ق، ۱۳: ۳۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۴۱: ۳۸۷). حکمت این ویژگی توبه نیز به اصلاح رفتار مجرمان و بهبود جایگاه معنوی فرد مربوط می‌شود (بجنوردی، ۱۴۱۹، ق، ۷: ۳۳۶). قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می‌شود...)»^۱ (انعام: ۵۴). مفسران بر این باورند که مقصود از عمل سوء در آیه معصیت و نافرمانی از دستور الهی است و جهالت به معنای ارتکاب معصیت به واسطه غلبه شهوت است (فخر رازی، ۱۳۲۰، ق، ج ۱۳: ۷). شارع مقدس باتوجه به فواید اصلاح مجرمان، به پیامبر خویش دستور داده تا توبه مجرمان را بپذیرد و آنان را به رحمت الهی بشارت دهد تا دل‌هایشان آرام شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۷:

۱. «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام: ۵۴).

۱۴۸). لذا طبق بیان قرآن کریم (مائده: ۳۹)، مجازات از مجرمی ساقط می‌شود که بازگشت خویش را به اصلاح رفتار و جبران عملکرد سوء گذشته متصل کند (طوسی، بی تا، ۳: ۵۱۹). در تفاسیر روایی نیز نقل شده است که مجازات متناسب با توبه مجرم ساقط می‌شود (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۴: ۱۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ق، ۲: ۳۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۲۸: ۳۷-۳۸ و ۵۳۰).

اصل اصلاح مجرم را نمی‌توان بدون لحاظ جبران ضرر و احساس امنیتی که در بزه دیده به واسطه اعمال مجازات دریافت می‌کند، در نظر گرفت؛ لذا در ادبیات تفاسیر روایی اگرچه در مجازات مجرمان اصلاح آنان مورد دقت قرار گرفته است با این وجود در برخی جرائم شدید همچون جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد تشفی خاطر بزه دیده نیز به عنوان هدفی بازدارنده مورد اشاره قرار گرفته است. علامه بحرانی با استناد به روایتی از امام سجاد (ع) در این خصوص چنین آورده است که اگر کسی بخواهد شخصی را بکشد و بداند که از او قصاص می‌شود، این کار را نخواهد کرد؛ بنابراین، قصاص نه تنها مانع ارتکاب جنایت است؛ بلکه اطمینان و آرامشی نسبی برای مجنی علیه فراهم می‌آورد (بحرانی، ۱۴۱۵، ق، ۱: ۳۷۹). این مفهوم معمولاً در جرائم غیر حق الهی مطرح است، هرچند در خصوص برخی جرائم خلاف عفت نیز تصور این مفهوم دور از ذهن به نظر نمی‌رسد، مانند حکم متجاوز به عنف. در این موارد، مشاهده کیفرخواست و مجازات مجرم می‌تواند بزه دیده را تا حدودی آرامش بخشد و موجب بازدارندگی از ارتکاب به جرم توسط دیگران گردد، شاید به همین سبب است که پذیرش توبه به جبران خسارات وارد شده به مجنی علیه یا جبران عمل مجرمانه منوط گردیده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ق، ۱۲: ۳۶۳-۳۶۴)؛ بنابراین همان طور که در تحلیل تفسیری بیان شد و در استنباط فقهی نیز به اثبات رسید، اصلاح مجرم و جبران ضرر دو اصل از اصول حاکم بر سیاست جنایی حقوق کیفری اسلام است.

۵) اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اصل قانونی بودن جرم و مجازات مورد دیگری است که در دایره اصول ناظر بر

اجرای مجازات اسلامی قرار می‌گیرد. مدلول روایات اهل بیت (ع) نشان می‌دهد؛ در نگاه ایشان اعمال مجازات در صورتی است که مجرمان از حرمت و مجرمانه بودن عمل خود آگاه باشند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ق، ۳: ۱۸۳) لذا ابلاغ پیام‌ها و احکام الهی پیش‌نیاز پذیرش تکلیف و در نتیجه مجازات است و همان‌گونه که تفسیر قمی در روایتی از امام باقر (ع) نقل کرده است، از آنجا که فهم و شناخت احکام، نیازمند ابلاغ و درک صحیح آن‌هاست بنابراین کودکان و افراد غیر بالغ از تکلیف معاف هستند (قمی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۴۹)؛ چرا که مطابق روایات اهل بیت (ع) مقصود از بیان، بیان درک شده و فهمیده شده از سوی مکلف است نه هر بیانی (مجلسی، ۱۴۰۶، ق، ۱۰: ۱۳۳)؛ بدین رو آگاهی و فهم فرد از قوانین پیش از اعمال مجازات موضوعی مهم و تأکید شده در مصادر حدیثی و تفسیری است که بدون آن ابلاغ تکلیف، تحقق نیافته لذا مجازات معنا ندارد؛ براین اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تعیین حقوق و وظایف افراد نقشی کلیدی دارد.

این اصل را می‌توان یکی از مبانی‌ترین اصول سیاست جنایی اسلام دانست که ناظر بر اجرای احکام کیفری است. اگرچه کاربرد اصطلاح فوق فاقد پیشینه خاصی در ادبیات فقیهان امامیه است لکن مفاهیم مندرج در متون فقهی، بیانگر پذیرش مفهوم اصل مذکور، نزد ایشان است. آن‌چنان‌که مستندات قرآنی و روایی فقیهان گواه هم‌پوشانی تفاسیر روایی با آرای فقهی است. برخی از ایشان تعریف مسئولیت کیفری، در صورت عدم بیان تکلیف را خلاف اقتضای حکمت در شارع مقدس دانسته‌اند؛ لذا با استناد به آیه ۱۵ سوره اسراء و آیه ۷ سوره طلاق مجازات افراد پیش از تعریف و ابلاغ جرم را خلاف مبانی شریعت اسلامی دانسته، حکم به رفع مسئولیت کیفری از جاهل داده‌اند (تبریزی، ۱۴۱۷، ق: ۱۸) که از این جمله می‌توان به تصریح برخی از ایشان اشاره نمود آنجا که با استناد به آیات پیش گفته، مقصود از عذاب را مجازات دنیوی دانسته‌اند که مطابق با سنت الهی صرفاً پس از اتمام حجت بر ایشان و عدم امتثال آنان شامل حالشان می‌شده است (روحانی، ۱۳۸۲، ۴: ۳۰۷-۳۰۸)؛ لذا پروردگار فرموده است: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء: ۱۵).

و) اصل عطف بماسبق نشدن قوانین

اصل عطف بماسبق نشدن مجازات، همچون مورد پیشین، ازجمله اصول ناظر بر اجرا محسوب می‌شود که مقصود از آن عدم اعمال مجازات نسبت به اعمال گذشته افراد است. دراین خصوص می‌توان به روایتی از امام باقر (ع) اشاره نمود. ایشان در بیانی توبه‌کننده از ربا را مشمول پرداخت جریمه یا مجازات نمی‌دانند (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ۱: ۵۵۵). اگرچه روایت مذکور بیشتر ناظر به جنبه مدنی عمل است، باین‌وجود به مفهوم خویش بر جنبه کیفری احکام دلالت روشن‌تری دارد؛ چراکه وقتی در احکام مدنی که جنبه تعذیب و مجازات ندارند، قوانین عطف بماسبق نمی‌شوند در احکام کیفری که واجد این ویژگی هستند به‌طریق‌اولی نباید عطف بماسبق شوند. همچنین دلیل دیگر بر انطباق قاعده مذکور با مفاهیم قرآنی، آیه ۹۵ سوره مائده^۱ است که خداوند در آن اعمال گذشته را عفو کرده و این به معنای عدم شمول مجازات بر اعمال پیشین است. (شیانی، ۱۴۱۳ ق، ۲: ۲۴۶؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ۱۱: ۳۹۳)؛ بنابراین، مطابق با دستور شریعت، قوانین کیفری نباید نسبت به اعمال گذشته افراد عطف بماسبق شوند. مقصود از عمل گذشته در دو سند (آیه و روایت) مذکور اعمالی هستند که پیش از اعلام تکلیف و حکم صورت گرفته باشند نه تمامی اعمالی که مکلف مرتکب شده است.

پذیرش اعتبار اصل قانونی بودن جرم و مجازات ارتباط تنگاتنگی با اعتبار اصل عطف بماسبق نشدن قوانین دارد. بررسی آرای فقیهان امامی در کنار مستندات قرآنی و روایی ایشان مثبت این ادعا است؛ چراکه مبنای اصلی هر دو بازگشت به جهل مکلف و عدم مسئولیت جاهل است و از آنجا که اعتبار مبنای مذکور جز در جهل تقصیری مورد اتفاق فقیهان و اصولیان امامی است؛ بنابراین هر دو اصل چه در امور مدنی و چه در امور کیفری معتبرند. استناد فقیهان به آیه ۱۵ سوره اسراء و نفی مسئولیت نسبت به استرداد زیاده حاصل از ربای پیش از صدور و اطلاع از حکم (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۴۶-۴۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ۱۰: ۲۱۱-۲۱۰؛

همان، ۱۴۱۳ ق، ۵: ۷۹؛ فاضل مقداد حلی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ۳۵-۳۷^۱ بیانگر اعتبار قاعده در امور مدنی است و بر اساس مفهوم اولویت مثبت اعتبار آن در امور کیفری است. همچنین استناد ایشان به آیه ۹۵ سوره مائده نیز با صراحت و دلالت منطوقی بیانگر اعتبار اصل مذکور در امور کیفری است (فاضل مقداد حلی، ۱۴۲۵ ق، ۱: ۳۲۶-۳۲۷) و اساساً اعتبار اصل مذکور نزد فقیهان امامیه تا بدان حد بوده است که ایشان قاعده جب را بر همین مضمون استوار نموده‌اند (حلی، ۱۴۲۸ ق، ۱: ۲۵۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۴۱: ۳۱۴) استناد برخی فقیهان به آیه ۹۵ سوره مائده نیز قابل توجه و دقت است (شیرازی، ۱۴۱۹ ق: ۶۷؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ ق: ۴۱) بنابراین اصل عطف بماسبق نشدن ازجمله سیاست‌های معتبر در سیاست جنایی اسلام است، اگرچه عنوان اصطلاحی آن با تعابیر متفاوتی در ادبیات فقهی ارائه گردیده است.

ز) اصل شخصی بودن مجازات و فردی بودن آن

یکی دیگر از اصول ناظر به اعمال مجازات اصل سقوط مسئولیت کیفری است که در ادبیات فقهی از آن به قاعده درأ تعبیر می‌کنند. آنچه از مستندات دال بر اعتبار اصل مذکور قابل دسترسی است صرفاً در منابع حدیثی و استدلال‌های روایی است و از آنجاکه پژوهش حاضر در مقام فهم اصول سیاست جنایی اسلام از طریق تفاسیر روایی است؛ لذا اصل مذکور از دایره مباحث پژوهش حاضر خارج بوده و بررسی نمی‌شود هرچند تردیدی در اعتبار این اصل میان فقه‌های مذاهب اسلامی وجود ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ۲۷: ۲۲۹) اصل شخصی بودن مجازات و فردی بودن آن دو اصل دیگری هستند که سیاست جنایی اسلام در اعمال مجازات بدان توجه نموده است. شارع مقدس با عنایت به ضرورت لحاظ این دو اصل، ایوب نبی (ع) را خطاب قرار داده و او را به رعایت آن‌ها در کیفر نمودن همسرش ملزم کرده است؛ لذا ایوب در عوض آنکه همسرش

۱. هرچند دیدگاه‌های متفاوتی (همچون نظر محقق کرکی (ره) (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۴: ۲۸۱-۲۸۲)) نیز در این خصوص در میان فقه‌های امامیه وجود دارد اما تفاوت فتوای مذکور خدشه‌ای بر اعتبار عموم اصل مورد بحث وارد نمی‌نماید.

گیسوان خود را برای تأمین مایحتاج خانه به نامحرمان فروخته بود، او را با صد ضربه شلاق از جنس برگ درختان مجازات نمود تا هم به شأن وی در مجازات توجه نموده باشد و هم پاکی باطنی و اخلاص عمل همسرش را محترم داشته باشد (قمی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۲۴۱).

آیات دیگری که مستند اصل مذکور به حساب می‌آیند و فقیهان با استناد به آن‌ها بر اعتبار اصل شخصی بودن و فردی بودن مجازات مهر تأیید زده‌اند (همچون انعام: ۱۶۴؛ فاطر: ۱۸؛ نجم: ۳۸؛ زمر: ۷) آیاتی با مضمون «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» هستند. تفسیر صافی ذیل آیه ۱۶۴ سوره انعام و با استناد به روایتی از امام رضا (ع) بدون تصریح به اصل شخصی بودن جرم و مجازات، آن را امری معتبر نزد امامیه دانسته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۲: ۱۷۷-۱۷۸).

برخی مصادر روایی همچون مکاتیب الاثمة (ع) در شرح آیه مذکور به روایتی از معصوم (ع) استناد نموده‌اند و ذیل آیه فوق اصل مذکور را تأیید نموده‌اند آنجا که می‌فرماید: «فرزندان و کودکان به جرم پدرانشان مجازات نمی‌شوند.» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ۵: ۹۲) و از این طریق مستقیماً اصل شخصی بودن جرم و مجازات را مفهومی مورد تأیید امامان شیعه دانسته‌اند. غیرازاین، آیات دیگری نیز وجود دارند که مؤید مضمون مذکور به شمار می‌روند (همچون طور: ۲۱ و مدثر: ۳۸^۲) باین وجود علی‌رغم آنکه ظاهر این دو آیه بر مضمون اصل شخصی بودن جرم و مجازات دلالت دارند اما بررسی تفاسیر روایی، بیانگر فقدان بیانی روایی دال بر اعتبار اصل مذکور با استناد به آیات فوق است (قمی، ۱۳۶۳، ۲: ۳۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۵: ۷۹) و این درحالی که است که سایر تفاسیر (غیر از تفاسیر روایی) دلالت آیات فوق را بر اصل شخصی بودن جرم و مجازات ثابت می‌کنند (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۷: ۱۶۴؛ کاشانی، ۱۳۴۱، ۹: ۵۶). فقیهان امامی با استناد به آیات وزر که می‌فرماید: «ولاتزر وازرة وزر اخرى» بر

۱. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» (طور: ۲۱).

۲. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: ۳۸).

شخصی بودن مجازات در نظام حقوق کیفری اسلام مهر تأیید زده و این اصل را به عنوان اصلی مبنایی در سیاست جنایی اسلام پذیرفته‌اند (شهیدثانی، ۱۴۱۰ ق، ۱: ۶۰؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ۱۰: ۴۴۶؛ طبسی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴۹-۲۵۰).

ح) اصل امر به معروف و نهی از منکر و اصل خیرخواهی نسبت به شهروندان

دو اصل دیگری که در سیاست جنایی اسلام نقش بسزایی در جرم‌زدایی از ساحت جامعه ایفا می‌کنند و هویتی جامعه‌ی به سیاست جنایی اسلام می‌بخشند، حاکمیت اصل امر به معروف و نهی از منکر و قاعده احسان بر نظام حقوقی اسلام به معنای عام و نظام حقوق کیفری به معنای خاص آن است. امر به معروف و نهی از منکر موجب می‌شود که شهروندان نسبت به انحرافات اخلاقی و قانونی دیگران حساس باشند و از این طریق مانع تکرار سوء رفتارها شوند. این فرآیند نه تنها به حفظ مصلحت جامعه کمک می‌کند بلکه تأثیر مثبتی بر رفتار شهروندان به‌ویژه در طبقه حاکمیتی نیز خواهد داشت و این می‌تواند حرکت بهتر جامعه به‌سوی رفتارهای اخلاقی و قانونی را در پی آورد؛ لذا به افزایش حسن رفتار افراد و ساماندهی رفتارهای جامعه کمک می‌کند. همچنین امر به معروف می‌تواند (چه قبل و چه بعد از وقوع انحرافات) به‌صورت پیشگیرانه و هدایتگر عمل نماید، زمینه‌های تکرار جرم را از کاهش یا حذف نماید.

قرآن کریم با اشاره به تأثیر این دو اصل بر کاهش رفتار مجرمانه علت تجاوزگری بنی‌اسرائیل را در عدم التزام ایشان به همین دو اصل دانسته است و می‌فرماید: «از میان بنی‌اسرائیل آنان که کافر شدند، بر زبان داود و عیسی بن مریم مورد لعن (و نفرین) قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که گناه می‌کردند و از [فرمان خدا] تجاوز می‌نمودند. [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند، راستی چه بدکاری انجام می‌دادند.» (مائده: ۷۸-۷۹) لذا امام صادق (ع) با استناد به آیه مذکور نسبت به عاقبت حاکمیت چنین رویه‌ای هشدار می‌دهند و همراهان چنین حکومتی را خارج از جریان شیعیان اهل بیت (ع) به شمار می‌آورند (قمی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۷۶).

در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین (ع) نقل است که ایشان ضمن اشاره به ماهیت پیشگیری‌کنندگی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به ارتکاب جرم، ترک آن را در حد شراکت افراد در جرم مجرمان اعلام می‌فرمایند؛ لذا ایشان را شایسته لعن الهی و بدکردارترین افراد معرفی می‌نمایند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۲: ۷۵)؛ بنابراین با عنایت به فرمایش قرآن کریم که خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر را صفات صالحان و موجب رستگاری بیان می‌دارد (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۳-۱۱۴) و با لحاظ مجموعه روایاتی که در تفاسیر روایی ترک این واجب الهی را موجب هنجار زدایی؛ زمینه‌سازی ارتکاب جرم و سلطه مجرمان بر فضای جامعه معرفی می‌فرمایند، (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۳۰۱) امر به معروف و نهی از منکر و خیرخواهی برای جامعه نقشی تعیین‌کننده در سیاست جنایی ایفا می‌نماید. فقیهان امامیه با استناد به مبانی قرآنی این دو اصل (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ ق، ۱: ۴۰۵-۴۰۸؛ راوندی، ۱۴۰۵ ق، ۱: ۳۵۸-۳۵۹؛ کاظمی اسدی، ۱۳۶۵، ۲: ۳۷۲-۴۰۳) ضمن برشمردن شروط و ضوابطی برای کیفیت جریان آن‌ها در فضای عمومی جامعه اسلامی (تبریزی، ۱۴۲۶ ق، ۱: ۳۶۰-۳۶۱) به برخی آثار اجرایی و سیاستی این دو اصل اشاره نموده‌اند که از جمله آن‌ها کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم؛ اصلاح رفتار مجرمانه؛ افزایش سطح امنیت به‌عنوان یکی از اهداف اولیه ساختارهای حقوقی؛ جلوگیری از گسترش جرم و فساد (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۳۶۱-۳۶۲؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۵ ق: ۴-۷) هستند؛ بنابراین اصل امر به معروف و نهی از منکر در کنار اصل خیرخواهی و احسان نسبت به جامعه اسلامی نه تنها جایگاهی مهم در سیاست جنایی اسلام دارند؛ بلکه آثار و پیامدهای ایجابی فراوانی از ناحیه آن‌ها بر نظام حقوق کیفری اسلام مترتب است به نحوی که در تحصیل بسیاری از اهداف عالی سیاست جنایی نقش ایفا نموده و اجرای بسیاری از مجازات را به سبب کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم سالبه به اتفای موضوع می‌کنند.

۸. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست جنایی اسلام بر سه اصل اساسی پیشگیری از جرم، بازپروری مجرم و عدالت ترمیمی تأکید دارد. پژوهش حاضر که در پی شناخت اصول سیاست جنایی فقه امامیه بوده است ضمن دستیابی به برخی از آن‌ها به این نتیجه رسیده است که درک این اصول مستخرج از منابع قرآنی، روایی و فقهی، برای ایجاد یک نظام عدالت کیفری مؤثر و عادلانه ضروری است. اصول مذکور نه تنها به دنبال تحقق عدالت هستند بلکه هدف اصلی‌شان پیشگیری از فساد، اصلاح مجرمان و جبران خسارات متوجه بزه‌دیده است؛ به‌ویژه در مواردی همچون عدم عطف به ماسبق قوانین، مسئولیت فردی و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر که در فهم سیاست جنایی اسلام نیز نقشی کلیدی دارند؛ بدین رو ساختار اصلی سیاست کیفری در حقوق اسلام بر پایه قانونی بودن جرم و مجازات، علل رافع مجازات و عدم عطف به ماسبق بودن قوانین استوار شده است. این اصول برای تأمین عدالت و انصاف در نظام عدالت کیفری اسلامی ضروری هستند. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش ثابت گردید که برخی اصول کلی حاکم بر جرائم می‌توانند همچنان در عرصه‌های جدید جرم‌شناسی مانند جرائم سایبری و فناوری‌های نوین نیز معتبر باشند. البته برای بررسی عمیق‌تر این امر، پژوهش‌های مستقل و تفصیلی بیشتری نیاز است. در پایان، با توجه به وسعت تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، پیشنهاد می‌شود تا در تحقیقات آتی، به پیامدهای سیاست جنایی اسلام بر نظام عدالت کیفری و تأثیر آن در پیشگیری از جرم و ترویج عدالت توجه بیشتری شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به بررسی کاربردهای عملی اصول سیاست جنایی در اسلام کمک کرده و چالش‌ها و فرصت‌های اجرای این اصول در نظام‌های عدالت کیفری مدرن را با دقت بیشتری بررسی کنند. امید است که مطالعات تفسیری مبتنی بر تحلیل روایی آیات، افق‌های جدیدی در تفسیر سیاست جنایی و حقوق کیفری اسلام بگشاید.

فهرست منابع

*قرآن کریم.

- ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا قزوینی رازی. (۱۳۹۹ ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار الصادر.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ ق). مکاتیب الاثمه علیهم السلام. قم: دارالحديث.
- احمدی، عزیزالله. (۱۴۰۰). نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام. فصلنامه علمی تخصصی فقه و قضا. س ۱۳. ش ۱۸. صص ۶۳-۸۲.
- اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی. تهران: دفتر نشر داد.
- اعرابی، غلامحسین. (۱۳۸۷). تفسیر روائی قرآن از نگاه فریقین. پژوهش دینی. ش ۱۶. صص ۹۷-۸۲.
- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله. (۱۳۷۹). تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ایروانی، باقر. (۱۴۲۸ ق). دروس تمهیدیة فی تفسیر آیات الاحکام. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو. (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار.
- بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ موسوی. (۱۴۱۹ ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثة قسم الداراسات الاسلامیه.
- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۱۷ ق). اسس الحدود و التعزیرات. قم: دفتر مؤلف.
- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۶ ق). منهاج الصالحین. قم: مجمع الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه.
- تقوی، سیدمرتضی. (۱۳۷۴). جایگاه فقه در اندیشه دینی. مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام). شماره ۲. صص ۱۸۲-۲۳۴.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۰۵ ق). التعریفات. تحقیق ابراهیم الیاری. بیروت: دار الكتاب العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۹۰ م). الصحاح. بیروت: دار العلم للمالین.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ بهارلویی، ریحانه. (۱۳۹۴). تدابیر پیشگیری از بزه‌دگی از منظر قرآن و روایات اسلامی. قرآن، فقه و حقوق اسلامی. س ۱. ش ۲. صص ۱۵۹-۱۸۹.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی دره صوفی، سید محمد. (۱۴۰۱). قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین. نسیم کوثر. س ۲. ش ۵. صص ۵-۳۱.
- حسینی، سید حسین؛ صفری، محمدرضا؛ گرایلی، محمدباقر. (۱۳۹۹). جریان‌های ایدئولوژیک مبنای موثر بر سیاست جنایی تقنینی افغانستان. فصلنامه علمی مطالعات تاریخی جهان اسلام. س ۸. ش ۱۵. صص ۱۸۹-۲۱۲.
- حق محمدی فرد، زهرا. (۱۳۹۳). اصول حاکم بر سیاست جنایی اسلام با محوریت اندیشه‌های امام خمینی (ره). پایان‌نامه برای اخذ مدرک دکترا. پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن زهدری. (۱۴۲۸ ق). ایضاح الترددات الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله

مرعشی نجفی.

حیدری، مسعود؛ مؤمنی، مسعود. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی یافته‌های جرم‌شناسان و مکاتب حقوقی معاصر با سیاست جنایی و فقه جزایی علی (ع). پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. س ۱۵. ش ۵۷. صص ۵۱-۷۲.

خوبی، سید ابوالقاسم. (بی‌تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی. دلماس مارتی، می‌ری. (۱۳۹۸). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات میزان.

راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله. (۱۴۰۵ ق). فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی. رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۳). ویژگی‌های کلامی فقه شیعه. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی. شماره ۱۰-۱۱. صص ۱۷۱-۱۹۰.

روحانی، محمدصادق. (۱۳۸۲). زبدة الاصول. تهران: حدیث دل. زارع‌مولایی، مصطفی. (۱۳۹۵). تفسیر تطبیقی روایی سوره سبأ از اهم تفاسیر مأثور فریقین (درالمشور و نورالتقلین). پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد. دانشگاه قرآن و حدیث. زرکشی، ابوعبدالله بدرالدین. (۱۳۸۶ ق). البرهان فی علوم القرآن. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. ج ۲. بیروت: دارالمعرفة.

سبزواری، سیدعبدالاعلی. (۱۴۱۳ ق). مهذب الاحکام (للسبزواری). قم: مؤسسه المنار - دفتر مؤلف. سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۴۱۵ ق). دلیل تحریر الوسيلة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

شاکری، طوبی. (۱۳۸۵). سیاست جنایی اسلامی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی. شاملو، باقر. (۱۳۹۶). اصل براءت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی مندرج در علوم جنایی. مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری. تهران: سمت، صص ۲۶۳-۳۰۱.

شهیدثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰ ق). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. المحشی - کلاتر. ج ۱. قم: کتابفروشی داوری.

شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ ق). نهج البیان عن کشف معانی القرآن. قم: نشر الهادی. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۳۷۶). الامالی للصدوق. تهران: کتابچی.

شیرازی، سید محمد. (۱۴۱۹ ق). الفقه القانون. بیروت: مرکز الرسول الاعظم للتحقیق و النشر. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۸ ق). دروس فی علم الاصول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

صفی پور، عبد الرحیم. (۱۴۰۴ ق). منتهی الارب فی لغت العرب. قم: انتشارات کتابخانه سنایی. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبسی، نجم‌الدین. (۱۴۱۶ ق). النفی و التغریب فی مصادر التشريع الاسلامی. قم: مؤسسه الهادی. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۰۸ ق). مجمع البحرين و مطلع النیرین. تحقیق احمد حسینی. ج ۱. قم: نشر فرهنگ اسلامی.

- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ حسایی، ساره. (۱۳۹۰). سیاست جنایی و تطور مفهومی آن. *تعالی حقوق*. س ۴. ش ۱۵. صص ۱۳۳-۱۱۳.
- عظیمی، فاطمه؛ میرزایی، محمد. (۱۴۰۰). جایگاه و نقش عدالت اجتماعی در نظام قضایی اسلام و سیاست جنایی جمهوری اسلامی. *رهیافت انقلاب اسلامی*. ش ۵۴. صص ۲۴۵-۲۶۴.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ ق). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.
- علوی مهر، حسین؛ عبدالحق، حبیبی. (۱۴۰۲). مبانی روایات تفسیر رفتاری قرآن توسط پیامبر اعظم. *پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی*. س ۱۰. ش ۱۸. صص ۹۳-۱۲۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ ق). *فقه سیاسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ق). *تفسیر عیاشی*. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- غلامی، علی. (۱۳۹۲). سیاست جنایی اسلام از منظر اندیشمندان غربی و نقد و تحلیل آن. *نشریه مطالعات حقوقی دولت اسلامی*. شماره ۳. صص ۹۵-۱۲۸.
- غنوشی، راشد. (۱۳۸۱). *آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی*. ترجمه حسین صابری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فاضل مقداد حلی، بن عبدالله. (۱۴۲۵ ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: انتشارات مرتضوی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۳۲۰ ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸ ق). *العين*. ج ۶. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ ق). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
- قربان نیا، ناصر. (۱۳۷۹). *فقه و حقوق بین الملل*. قیسات. شماره ۱۵ و ۱۶. صص ۸۵-۹۹.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. قم: دارالکتاب.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۴۱). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: اسلامیه.
- کاظمی اسدی، فاضل جواد بن سعد. (۱۳۶۵). *مسالك الافهام الى آیات الاحکام*. تهران: مرتضوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، سید محمد رضا. (۱۴۱۲ ق). *الدر المنضود فی احکام الحدود*. قم: دارالقرآن الکریم.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲). *شرح الکافی الاصول و الروضة*. للمولی صالح المازندرانی. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی. (۱۴۰۶ ق). *روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. قم:

- مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۳ ق). رساله قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.
- محمدی جورکویه، علی. (۱۴۰۲). راهبردهای قرآنی پیشگیری اجتماعی سیاست جنایی اسلام در صیانت از حیات انسان. پژوهش نامه معارف قرآنی. ش ۵۴. صص ۲۷۳-۳۰۶.
- محمدی، خلیل الله. (۱۴۰۰). اهداف مجازات در سیاست جنایی اسلام. فصلنامه علمی - تخصصی فقه و قضا. سال سیزدهم. ش ۱۸. صص ۸۳-۱۰۶.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی. (۱۳۹۱). مدخلی بر مناسبات فقه و تمدن. فصلنامه فقه. سال ۱۹. سال ۷۲. صص ۶۲-۱۰۳.
- مصطفوی، سید محمدکاظم. (۱۴۲۱ ق). مائة قاعدة فقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه اسلامی حوزه علمیه قم.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ ق). التفسیر الکاشف. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- مقیمي حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). فلسفه مجازات در اسلام. فقه اهل بیت عليهم السلام. شماره ۵۱. صص ۱۰۶-۱۴۷.
- منتظری، حسین علی. (۱۴۰۹ ق). مبانی حکومت اسلامی. قم: مؤسسه کیهان.
- مهریزی، مهدی. (۱۳۸۹). روایات تفسیری شیعه گونه شناسی و حجیت. نشریه علوم حدیث. سال ۱۵. شماره ۵۵. صص ۳-۳۶.
- میرخلیلی، سید محمد. (۱۳۹۴). مبانی و راهبردهای سیاست جنایی اسلام. مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی. تهران: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر اختصاصی مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا). صص ۷-۳۴۰.
- میرخلیلی، سید محمود. (۱۳۹۷). انسان از منظر سیاست جنایی اسلام و مکاتب جرم شناسی. فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی. ش ۱. صص ۳۷-۶۰.
- نجفی، محمدحسن صاحب الجواهر. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: احیاء التراث دار احیاء التراث العربی.
- نوبهار، رحیم. (۱۳۹۲). مدل شناسی سیاست جنایی اسلام. تحقیقات حقوقی. ش ۶۱. صص ۱۰۱-۱۴۹.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.
- نوریان، مهدی و سرخیل، بهنام. (۱۳۹۸)، اعتبار امنیت در سیاست گذاری عمومی حقوق جزایی اسلام. مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی. ش ۳۵. صص ۲۸۷-۳۱۰.
- هادی پور، کیانوش و همکاران. (۱۳۹۹). مسئولیت کیفری نقصان یافته جرایم مجانین در سیاست جنایی ایران و نظام حقوقی انگلستان. جامعه شناسی سیاسی ایران. ش ۹. صص ۸۲۱-۸۳۴.

REFERENCES

The Holy Qur'an.

Aghabakhshi, Ali; Afshari-Rad, Minoo. (1383). Cultural history of political sciences. Tehran: Chapar Publishing.

Ahmadi Miyanjī, Ali. (1426 AH). Makateeb al-A'immah (AS). Qom: Dar al-Hadith.

Ahmadi, Azizullah. (1400). The role of human dignity in the criminal policy of Islam. Specialized scientific quarterly journal of jurisprudence and judgment. Vol 13. Issue 18. pp. 63-82.

Al-Ardabili, Ahmad bin Muhammad. (1403 AH). Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers' Association.

Alavi Mehr, Hussein; Abdul Haqq, Habibi. (1402). The foundations of the narrations of the behavioral interpretation of the Qur'an by the Prophet Muhammad (PBUH). Research paper on comparative hadith sciences. Vol. 10. Issue. 18. pp. 93-124.

Al-Ayyashi, Muhammad bin Masoud. (1380 AH). Tafsir Al-Ayyashi. Tehran: Maktaba Al-Ilmiyah Al-Islamiyah.

Al-Bahrani, Hashim bin Sulayman. (1415 AH). Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Al-Bi'taht Institute, Islamic Studies Department.

Al-Bojnourdi, Seyyed Hasan bin Aghabozorg Mousavi. (1419 AH). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah. Qom: Al-Hadi Publishing.

Al-Fakhr Al-Radi, Muhammad bin Omar. (1320 AH). Tafsir al-Kabeer (Mafatih al-Ghayb). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1408 AH). Al-Ain. Vol. 6. Beirut: Al-A'lami Press.

Al-Fayd Al-Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza. (1415 AH). Tafsir al-Safi. Tehran: Maktaba al-Sadr.

Al-Fazil al-Hindi, Muhammad bin Hasan. (1416 AH). Kashf al-Litham wa al-Ibham an Qawa'id al-Ahkam. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers' Association.

Al-Fazil Miqdad al-Hilli, bin Abdullah. (1425 AH). Kanz al-Irfan fi fiqh al-Qur'an. Qom: Mortazavi Publications.

Al-Ghannoushi, Rashid. (1381 AH). Public Freedoms in the Islamic State. Translated by Hossein Saberi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

Al-Golpayegani, Seyyed Muhammad Reza. (1412 AH). Al-Durr al-Mandoud fi ahkam al-Hudoud. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.

Al-Hilli, Hasan bin Yusuf bin Motahar Asadi. (1413 AH). Mukhtalaf al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'ah. Qom: Qom Seminary Teachers' Association.

Al-Hilli, Hasan bin Yusuf bin Motahar Asadi. (1414 AH). Tazkirat al-Fuqaha. Qom: Al-Bayt (AS) Foundation.

Al-Hilli, Najm al-Din Ja'far bin Zuhdari. (1428 AH). Izah Taraddudat al-Shara'i. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications.

Al-Hurr al-Amili, Muhammad bin Hasan. (1409 AH). Wasa'il al-Shi'a. 1st edition. Qom: Aal al-Bayt (AS) Foundation.

Al-Irwani, Baqir. (1428 AH). Dorous Tamhidiyyah fi Tafsir Ayat al-Ahkam. Qom: Dar al-Fiqh for printing and publishing.

Al-Jawhari, Ismail bin Hammad. (1990). Al-Sihah. Beirut: Dar al-Ilm li al-Malayin.

Al-Jurjani, Ali bin Muhammad. (1405 AH). Al-Ta'rifat. Research by Ibrahim al-Abiari. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

Al-Kashani, Fathullah ibn Shukrallah. (1341). Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin. Tehran: Islamiyya.

- Al-Khoei, Seyyed Abul-Qasim. (n.d). Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: The Institute for the Revival of the Works of Imam al-Khoei.
- Al-Kulayni, Muhammad bin Yaqub. (1407 AH). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Al-Majlisi, Muhammad Taqi bin Maqsur Ali. (1406 AH). Rawdhat al-Muttaqin fi sharh man la Yahzuruh al-Faqih. Qom: Kushānpur Islamic Cultural Institute.
- Al-Mazandarani, Muhammad Salih bin Ahmad. (1382). Sharh al-Kafi: Al-Usul wa al-Rawdha. By Mawlā Salih al-Mazandarani. Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah.
- Al-Mohaqiq Al-Karaki, Ali bin Husain. (1413 AH). Risalah Qati'ah al-Lijaj fi Tahqiq Hall al-Kharaj. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary.
- Al-Mohaqiq al-Karaki, Ali bin Husain. (1414 AH). Jami' al-Maqasid. Qom: Al-Bayt (AS) Foundation.
- Al-Mughniyeh, Muhammad Jawad. (1424 AH). Al-Tafsir al-Kashif. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Al-Mustafavi, Seyyed Muhammad Kazem. (1421 AH). Mi'at Qa'idah Fiqhiyyah. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Islamic Society of the Qom Seminary.
- Al-Najafi, Mohammad Hasan. (1404 AH). Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Nouri, Husayn bin Muhammad Taqi. (1408 AH). Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Mas'il. Qom: Al-Bayt (AS) Foundation.
- Al-Qommi Al-Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Riza. (1368). Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Al-Qommi, Ali ibn Ibrahim. (1363). Tafsir al-Qommi. Qom: Dar al-Kitab.
- Al-Rawandi, Qutb al-Din Saeed bin Abdullah. (1405 AH). Fiqh al-Qur'an. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications.
- Al-Sabzewari, Sayyid Abdul-Ala. (1413 AH). Muhadhab al-Ahkam. Qom: Al-Manar Foundation, Author's Office.
- Al-Sadouq, Muhammad ibn Ali ibn Babawayh. (1376). Al-Amaali. Tehran: Kitabchi.
- Al-Sadr, Sayyid Muhammad Baqir. (1418 AH). Durous fi Ilm al-Usoul. Qom: Islamic Publishing Foundation.
- Al-Safipour, Abd al-Rahim. (1404 AH). Muntaha al-Arab fi Lughat al-Ārab. Qom: Sanaci Library Publications.
- Al-Shahid Al-Thani, Zayn al-Din ibn Ali. (1410 AH). Al-Rawdha al-Bahiyyah fi Sharh al-Luma'h al-Dimashqiyyah. Footnoted by Kalantar. First edition. Qom: Davari Bookstore.
- Al-Shaybani, Muhammad ibn Hassan. (1413 AH). Nahj al-Bayan an Kashf ma'ani al-Qur'an. Qom: Al-Hadi Publishing House.
- Al-Shirazi, Sayyid Muhammad. (1419 AH). Fiqh al-Qanoon. Beirut: Al-Rasul al-A'zam Center for Research and Publishing.
- Al-Suyouti, Abdul Rahman ibn Abi Bakr. (1404 AH). Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi'l Ma'thur. Qom: Public Library of the Grand Ayatollah Marashi Najafi (RA).
- Al-Tabasi, Najm al-Din. (1416 AH). Al-Nafy wa al-Taghrib fi masadir al-Tashri' al-Islami. Qom: Al-Hadi Foundation.
- Al-Tabataba'i, Sayyid Muhammad Hossein. (1374 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Translated by Sayyid Muhammad Baqir Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Association.
- Al-Tabrizi, Jawad bin Ali. (1417 AH). Usus al-Hudoud wa al-Ta'zirat. Qom: Author's Office.
- Al-Tabrizi, Jawad bin Ali. (1426 AH). Minhaj al-Salihin. Qom: Majma' al-Imam al-Mahdi (AS).
- Al-Turayhi, Fakhr al-Din ibn Muhammad. (1408 AH). Majma' al-Bahrain wa Matla' al-Nayy-

- irayn. Research by Ahmad Hosseini. Vol. 1. Qom: Islamic Culture Publications.
- Al-Tusi, Muhammad ibn Hasan. (n.d). Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Zarkashi, Abu Abdullah Badr al-Din. (1386 AH). Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an. Research by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim. Vol. 2. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Amid Zanjani, Abbas Ali. (1421 AH). Political jurisprudence. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Amid, Hassan. (1375). Farhang Farsi Amid. Tehran: Amir Kabir.
- Arabi, Gholam Hossein. (1387). Narrative interpretation of the Qur'an from the perspective of the two sects. Religious research. Vol. 16. pp. 82-97.
- Azimi, Fatima; Mirzaei, Mohammad. (1400). The position and role of social justice in the Islamic judicial system and the criminal policy of the Islamic Republic. Approach to the Islamic Revolution. Vol. 54. pp. 245-264.
- Azimzadeh Ardebili, Faizeh; Hesabi, Sarah. (1390). Criminal policy and its conceptual development. Taali Hoquq. Vol. 4. Issue. 15. pp. 113-133.
- Delmas Marti, Miri. (1398). Great Systems of Criminal Policy. Translated by Ali Hossein Najafi Abrand-Abadi. Tehran: Mizan Publications.
- Eshkavari, Muhammad bin Ali (1373). Tafsir Sharif Lahiji. Tehran: Daad Puplications Office.
- Gholami, Ali. (1392). Criminal Policy of Islam from the Perspective of Western Scholars and Its Criticism and Analysis. Journal of Legal Studies of the Islamic State. Issue 3. pp. 95-128.
- Ghorbaniya, Naser. (1379). Jurisprudence and International Law. Qabasat. Issue. 15 and 16. pp. 85-99.
- Hadipour, Kianoush et al. (1399). The Impaired Criminal Responsibility of Insane Criminals in Iranian Criminal Policy and the Legal System of England. Political Sociology of Iran. Issue. 9. pp. 821-834.
- Haji Dehabadi, Muhammad Ali; Baharlui, Reyhaneh. (1394). Measures to Prevent Delinquency from the Perspective of the Qur'an and Islamic Traditions. Qur'an, Jurisprudence and Islamic Law. Vol. 1. Issue. 2. pp. 159-189.
- Haq-Mohammadi-Fard, Zahra. (1393). Principles Governing Islamic Criminal Policy with the Centrality of the Thoughts of Imam Khomeini (RA). Ph.D. thesis. Imam Khomeini (RA) and Islamic Revolution Research Institute.
- Heydari, Masoud; Momeni, Masoud. (1398). Comparative comparison of the findings of criminologists and contemporary legal schools with criminal policy and penal jurisprudence of Imam Ali (AS). Researches on Islamic Jurisprudence and Law. Vol. 15, Issue. 57, pp. 51-72.
- Hosseini Darreh Sufi, Sayyed Mohammad. (1401). Quranic Research on Islamic Criminal Policy in Reforming Criminals. Naseem Kausar. Vol. 2, Issue. 5, pp. 5-31.
- Hosseini, Sayyid Hussein; Safari, Mohammad Reza; Garayeli, Mohammad Baqir. (1393). Ideological Currents as an Effective Basis for the Legislative Criminal Policy of Afghanistan. Quarterly Journal of Historical Studies of the Islamic World. Vol. 8, Issue. 15, pp. 189-212.
- Ibn Faris, Abu al-Husayn Ahmad ibn Faris ibn Zakariyya Qazvini Razi. (1399 AH).
- Ibn Manzur, Abu al-Fadl Jamal al-Din. (1414 AH). Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Sadir.
- Imam Khomeini (RA), Seyyed Ruhollah. (1379). Tahrir al-Wasilah. Tehran: Institute for the compilation and publication of the works of Imam Khomeini (RA).
- Kazemi Asadi, Fazel Jawad bin Saad. (1365). Masalik al-Afhām ila Ayat al-Ahkām. Tehran: Mortazavi.
- Mehrizi, Mahdi. (1389). Shiite Exegetical Narratives, Typology and Authenticity. Hadith Sciences Journal. Vol. 15. Issue. 55. pp. 3-36.
- Meshkani Sabzevari, Abbas Ali. (1391). An Introduction to the Relations of Jurisprudence and Civilization. Quarterly Journal of Jurisprudence. Vol. 19. Issue. 72. pp. 62-103.

- Mir-Khalili, Seyyed Mahmoud. (1397). Man from the Perspective of Islamic Criminal Policy and Schools of Criminology. Quarterly Journal of Fundamental Research in the Humanities. Issue. 1. pp. 37-60.
- Mir-Khalili, Seyyed Mohammad. (1394). Fundamentals and Strategies of Islamic Criminal Policy. Collection of Articles of the Second International Congress of Islamic Humanities. Tehran: Aftab Toseeh Publishing (Special Publisher of Sadra Islamic Humanities Research Center). pp. 3-7-340.
- Moghimi Haji, Abul-Qasim. (1386). Philosophy of Punishment in Islam. Jurisprudence of the Ahl al-Bayt (AS). Issue 51. pp. 106-147.
- Mohammadi Jorkuyeh, Ali. (1402). Quranic Strategies for Social Prevention of Islamic Criminal Policy in Protecting Human Life. Research Journal of Quranic Knowledge. Issue. 54. pp. 273-306.
- Mohammadi, Khalilullah. (1400). The Goals of Punishment in Islamic Criminal Policy. Scientific and Specialized Quarterly Journal of Jurisprudence and Jurisprudence. Vol. 13. Issue. 18. pp. 83-106.
- Montazeri, Hossein Ali. (1409 AH). Fundamentals of Islamic Government. Qom: Keyhan Institute.
- Mu'jam Maqayis al-Lughah. Research by Abdul Salam Muhammad Harun. Beirut: Dar al-Fikr.
- Nobahar, Rahim. (1392). Designing a Model of Islamic Criminal Policy. Legal Research. Issue. 61. pp. 101-149.
- Nourian, Mahdi; Sarkhey, Behnam. (1398). The Credibility of Security in Public Policy-Making of Islamic Criminal Law. Interdisciplinary Studies in Strategic Knowledge. Issue. 35. pp. 287-310.
- Rezvani, Ali Asghar. (1383). Theological Features of Shiite Jurisprudence. Research Journal of Islamic Wisdom and Philosophy. Issue. 10-11. pp. 171-190.
- Rouhani, Mohammad Sadiq. (1382). Zubdat al-Usoul. Tehran: Hadith-e-Del.
- Seyfi Mazandarani, Ali Akbar. (1415 AH). Dalil Tahrir al-Wasilah. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers' Association.
- Shakeri, Tuba. (1385). Islamic Criminal Policy. Tehran: Islamic Culture Publishing House.
- Shamloo, Baqir. (1396). The Principle of Criminal Acquittance in Modern Systems of Justice as Enshrined in Criminal Sciences. A Collection of Articles in Honor of Dr. Muhammad Ashouri. Tehran: Samt, pp. 263-301.
- Taqavi, Sayyid Murtaza. (1374). The Place of Jurisprudence in Religious Thought. Journal of Jurisprudence of the Ahl al-Bayt (AS). Issue. 2. pp. 182-234.
- Tayyib, Abdul-Hossein. (1369). Atyab al-Bayan fi tafsir al-Qur'an. Tehran: Islam.
- Zare-Molaei, Mustafa. (1395). Comparative narrational commentary of Surah Saba' from the most important commentaries of the Two Sects (Al-Durr al-Manthour and Nur al-Thaqalayn). Master's thesis. University of the Qur'an and Hadith.

| Extended Abstract |

Principles of Criminal Policy in Imamiyyah Jurisprudence Based on the Social Teachings of the Holy Qur'an

Morteza Karballai Sadeghi , Mehdi Nourian

Objective: Criminal policy, as an emerging, interdisciplinary field of study in the social sciences and political sciences, has a significant impact on the understanding approaches taken within the criminal legal system. As a field of study, this field is a combination of political science and social sciences that examines why and how crime-related policies are formed, how society and government respond to these issues, and how social and political factors influence crime. From a social science perspective, criminal policy analyzes social and criminal behavior and the economic, cultural, and social factors associated with crime. This dimension focuses on studying how culture and society influence the occurrence of criminal behavior and the social reactions to these behaviors. From a political science perspective, this field examines the mechanisms of government decision-making, legal systems, and political institutions that shape criminal policies and laws. The influence of political power and civil society on the regulation of these policies is also an interesting topic within this field. Thus, it can be said that criminal policy is an interdisciplinary study that benefits from both the social science and political science perspectives. Although this knowledge initially belongs to interdisciplinary studies in law and political science, given its consequential role at various social levels, its content takes the form of purely political science, and its content is influenced by culture and various social fields. Therefore, according to the importance of this influence, the current study addresses the principles of Islamic criminal policy, focusing on the social teachings of the Holy Qur'an as a valid document of Islamic law. In this regard, the concept of criminal policy and its narrative interpretation were first presented. By understanding the epistemological foundations, a comprehensive method has been reached to the Qur'anic foundations of these policies and their impact on Islamic society. Then, by leveraging the concepts of justice in narrative interpretations, a detailed analysis, based on the Qur'an and hadith, of some of their basic principles was presented.

Methodology: The present article has collected information using reliable religious documents and sources, especially Qur'anic verses and interpretive sources (narrative interpretation), then using the descriptive-analytical method, it has examined and analyzed the obtained data and inferred the teachings to solve the problem in question. In this path, it has used the logic of Aristotelian causality to achieve the guidelines of the Holy Qur'an and, on this basis, it has based the understanding of the Holy Quran's approach on the ultimate and formal cause.

Findings: This study has examined the social teachings of the holy Qur'an in two key dimensions of criminal policy: first, the principles related to the goals and causes

of punishments and second, the principles governing their implementation. The researchers in this study have achieved maximum compliance of these principles with the Qur'anic teachings and Islamic traditions and believe that the implementation of these principles is necessary to ensure social justice and fairness in the Islamic penal system. They emphasize that retributions should go beyond punishing criminals to reforming them and repairing society. Finally, the research shows that the criminal policy model should move from the existing authoritarian approach towards restorative justice, emphasizing constructive interaction between the criminal, the victim, and the community, and improving the quality of life and social relations.

Keywords: Narrative Interpretation; Criminal Law; Social Justice; Principles of Criminal Policy; Social Policy; Restorative Justice

